

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب

مؤلف

مترجم

شماره قفسه



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب



خطی

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

۶۸۷۲

سفرنامه باب ۱۷ رنق زاده

۹۱۷۲

۸۸۹۲

$$\begin{array}{r} 9172 \\ \hline 8893 \end{array}$$

۱
 روز سه شنبه ساعت ۱۳ در وقت صبح در محفل حضرت
 عالی قانی راده و حضرت عظمی نام دای بی مهره کجایان
 از تبریز با آن مهری حاجی میرزا احمد حسینی محبسی که تبریز
 کردیم به اصفهان و در وقت ورود و در تبریز و قزوین بود در
 قزوین خانه پنهان شدی چند روزی در آنجا بود و در تبریز
 آمده و در آنجا و به آنجا که به تبریز و قزوین
 قریبانی با خود آورده بودند که حضرت با خود
 از آن فرمودند و به تبریز و قزوین که در تبریز
 حاجی محمد احمد که در تبریز و قزوین و به تبریز
 هم در تبریز و قزوین که در تبریز و قزوین
 از آن رفتم می فرمودند حضرت با آن و در تبریز
 تبریز که در تبریز و قزوین و به تبریز
 قزوین که در تبریز و قزوین و به تبریز
 قزوین که در تبریز و قزوین و به تبریز

۲۷۸۶
 ۳۶۸۸

[illegible]

حک کردیم دریا بنوداب تو ی غم باغتر تو ف که در دو حک کردیم
در ساعت غم بعد از ظهر حب با د از دور دیدیم دیدیم و قی
نایب دین

۱. میرزا محمد علی - حیدر زاده - رشت - زاده - صاحب
 محمودیه - های حاج میرزا - بیج نواختنی و سرگشت
 خبر دنیا بهمان دوازدهم بود و گفتاری اندک و حد
 های شافی - میرزا صالح شاپوری - یزدی حاج
 میرزا عبدالمکرّم - قائم مقام - حیدر علی -
 محمد و صید شفی - قائم اوغلی - سرور حاج
 رشید شافی - میرزا امجدی - حیدر علی -
 (دکتر و ریاست و دیگر هم اندوختن) با آنکه اندک
 پس اندک و میرزا محمد علی - دیرین و در
 هر قی زاده کریم احمدی

بر لیل از مسجد بروی آمده و قدری در حیات مسجد
 که دارای حجرت زهراست که بنام گدیم حجرت بود
 که بنامی بر سر کعبه علم نباشد بود و در آن
 در کعبه است

از این منزل باز گشتم و دیدی را در مردم دست و دست صف
 که در حیات حرامی جاری آوردند
 ای بگو ای پسر دین بود باز چند جلد کتاب برای علم

به دست آورد
 روز شنبه ۱۴/۴ جمیع زندگانی من در حیات
 رقی را ده آمده و ساعت ۱۰ شب بخوابیدم
 بودم در ساعت فردا روزی که در آن روز بود و دید
 رفتم به آن نظر با زندگی زهرا که در آن روز
 همه با نزد خرم و آب و در خانه بنام زهرا بود

بر نزد حجت با زید و فرزند و رفیق و در آنجا بود
 راجع سبب است چندی مذاکره کردیم هر نوع قول
 ساعت مکنند به بنام زهرا زهرا که با هر غلطی
 از آن راه حل کردم به منزل آمده و صرف نشد
 شد به در خانه حاضر تر حجت کرده بودید
 فرزند از رفیق و راجع سبب است چندی مذاکره کردیم
 مذاکره کردم قهر ساعت مکنند از روز جاری
 تا میرزا محمد تا که در غلای درجه اول نوری باشد
 بود و رقی را ده آمده و دیدی را پیر رانج عکاس
 تر حجت آوردند از روز باقی پیر رانج عکاس
 و مطلع همه که فرود ساعت نه در آن روز
 ادوات منزل خود دعوت فرمای تا تا رقی را ده
 باز دیدی را تر حجت برد

روز جمعه ۸ خرداد ۱۳۲۷

در وقت صبح خداوند در منزل وقف کردم ساعت ۸
 بر لب دروازه منزل خراب میرزا محمد اصفوی رستم
 بنای بدو روز جمعه در منزل ۵۰۰۰ روغن و آن
 بود و در آن وقت صبح فتنه بود و در آن روز
 های میرزا محمد نصر قمری است که مردم رضا به مقام
 و توجیه سلمه را عظیم محترم می نامند چند قطعه نصیر
 مدتی آن نصیر تمام دلف نصیرت های را ده خ
 اهل رحمت و مهرمانی کردند با یکدیگر و نصیر
 یکدیگر در آن سراسر خانه نشاندیدیم که میرزا محمد

خداوند ما را نصرت نموده زیرا که نصیرت خود را در آن روز
 که میرزا محمد بن نصر بن میرزا محمد است های نصیر را ده چو
 باز بهای دیگری داده و ما که بود که برود و نصیر را بخود
 عذر خواسته خداوند غنی کردیم در آنجا منزل خراب میرزا
 آدم بنیرال بانی سلف است میرزا محمد که فرستاده اند و
 نه بود و کسر را داده و به دست رسیدیم در آنجا بهر
 و عذر بود و خود را در آنجا گرفتاری ما را پذیرفته
 اول در آن ترمین آورده و پس ترمین گرفته که در آنجا
 ترمین را کرده با آنکه از عمارت نصیر ای سرشته ابد آنجا بود
 وضع نصیر غنی که در آنجا بود که در آنجا که در آنجا
 و نصیر محبت می فرمودند بنده نصیر بانی را که در آنجا
 ما که در آنجا محبت با اوین خیر که در آنجا است
 روز ۱۰ با او یک مدح است که در آنجا است

و بعد از آنکه در آن بودند و خود در خانه بختی بختی می نمود
در روز شنبه روزی در میان بختی بختی می نمود و آنست
که در آن روز.

در آن روز بختی بختی می نمود، و آنست که در آن روز
بختی بختی می نمود.

در آن روز بختی بختی می نمود، و آنست که در آن روز
بختی بختی می نمود.

در آن روز بختی بختی می نمود، و آنست که در آن روز
بختی بختی می نمود.

در آن روز بختی بختی می نمود، و آنست که در آن روز
بختی بختی می نمود.

در آن روز بختی بختی می نمود، و آنست که در آن روز
بختی بختی می نمود.

در آن روز بختی بختی می نمود، و آنست که در آن روز
بختی بختی می نمود.

در آن روز بختی بختی می نمود، و آنست که در آن روز
بختی بختی می نمود.

در آن روز بختی بختی می نمود، و آنست که در آن روز
بختی بختی می نمود.

در آن روز بختی بختی می نمود، و آنست که در آن روز
بختی بختی می نمود.

در آن روز بختی بختی می نمود، و آنست که در آن روز
بختی بختی می نمود.

در آن روز بختی بختی می نمود، و آنست که در آن روز
بختی بختی می نمود.

در آن روز بختی بختی می نمود، و آنست که در آن روز
بختی بختی می نمود.

نرخی محبت کردند و از آن راجع بولیف عمومی صفتی
 بی نوبت و بی آن در میان دست و دعا می نمودند
 خانه یافت بعد از مدتی در سفر فتنه نمودن های تفریاده
 آمد و فریاد کرد و می گفت که در جاده طایفه ها در این
 که چند دهیم هم در میان آن جوانان را بطور کرامت
 و احترام در ده طایفه تربیت کردند مردم در هر طرف همراه
 با کتوف و دست پر دنیا بود و چند دهیم که وارد ده ها
 نمیدادند تا همه مردم دست زدند و می گفتند
 پس از آن هم بصره را به نیرال برکتیم و بصره را به نیرال
 آوردند و های افشار در میان مردم بودند که در آن
 کردند که حدت طایفه خود را با این و آن بدین نام
 باب نهم و نیرال

روز ششم ۸ خرداد ماه ۱۳۲۷

جم از آن وقت بهت روی ادارات و تفریح برای وای
 های قی را در روزهای قبیله ای بر نظر حضور میرانید و در حالت
 است های قی را در ده ها و ده ها و ده های قلی کرده و ده های
 های بر نظر نیرال وای را آوردند و ده های قبیله ای بر نظر
 و وجه نظر و یک شبه بدین یک پر یک از ده های قبیله ای
 و ده های مردم بر حالت آوردیم و در ده های قبیله ای
 غلبه و از آن وقت که کردم از ده ها تا ده های قبیله ای
 و پنج است در ده ها قلی کردم چون بنام
 وارد ده های مردم که در ده های قی را در ده های
 و طایفه ای که اندک کردان مردم در ده های قبیله ای
 صف کرده بودند و در ده های قبیله ای که اندک بدین
 و ده های قبیله ای که در ده های قبیله ای که در ده های

هم حضور داشته در داد و ستد با نام ساعی و ده
کردیم راجع به نبودی و ادب و بی رتبه بود
که بعد از طبعی در آنجا وجود داشت بی رتبه
کتابت ها و صرف و جلا و اوراق و مدارق
کرده و حاضر شدیم نیز در دو نامه و در یک
نسخه که در آنجا بود و راجع به
فهرست که بودیم در آنجا بود که در آنجا
توال کرده که در آنجا بود و در آنجا
حاجی بودیم و راجع به و در آنجا بود
هم در آنجا بودیم و در آنجا بود
جاء نظر به در آنجا بود و در آنجا
بنا بر آنکه بودیم و در آنجا بود

خوشتر حرکت کنیم دیدیم در آنجا بود
قطع نامه را در عرض کردیم و در آنجا
لاستقی را در آنجا بود که بی رتبه بود
نزدیک آنجا بود که در آنجا بود و در آنجا
قسم می دادیم که در آنجا بود و در آنجا
کنیم و در آنجا بود که در آنجا بود
و در آنجا بود که در آنجا بود و در آنجا
قطع کنیم و در آنجا بود که در آنجا
روی آنجا بود که در آنجا بود و در آنجا
تا به آنجا بود که در آنجا بود و در آنجا
در آنجا بود که در آنجا بود و در آنجا
که در آنجا بود که در آنجا بود و در آنجا
شروع کردیم

مدی، بان صحت کردم و حق نیتیم در دلم
 به رکنه تدبیر و غایتیم و کرم علی کند، و
 علی و حاجی حدیثی نیتیم که کوی مظهر میمان
 رتبه جو کرم آوردند و حق نیتیم
 و نیتیم در نیتیم کبریا و حق نیتیم خداوند
 در حضور نیتیم هر کوی و مادر و هر نیتیم
 و مادر نیتیم و نیتیم نیتیم کرد

فوی چه رخسار ملود

در نیتیم و نیتیم نیتیم و نیتیم
 نیتیم و نیتیم نیتیم و نیتیم
 نیتیم و نیتیم نیتیم و نیتیم
 و نیتیم نیتیم و نیتیم

نیت از روی و ک کرده نیت نیتیم
 می خوانیم که در نیتیم نیتیم
 ما را دید و نیتیم نیتیم بود و نیتیم
 نیتیم و نیتیم و نیتیم نیتیم و نیتیم
 نیتیم و نیتیم نیتیم و نیتیم
 نیتیم و نیتیم نیتیم و نیتیم

و نیتیم

نیتیم و نیتیم

1. The first part of the paper is devoted to a discussion of the
 2. various methods of determining the rate of reaction.
 3. The second part is devoted to a discussion of the
 4. various methods of determining the order of reaction.
 5. The third part is devoted to a discussion of the
 6. various methods of determining the activation energy.
 7. The fourth part is devoted to a discussion of the
 8. various methods of determining the equilibrium constant.
 9. The fifth part is devoted to a discussion of the
 10. various methods of determining the rate of reaction.